

ادب جهادی در جنگهای ایران و روس

اثر: دکتر عبدالرضا سیف

استادیار دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

و حسن اسماعیلی و فرهاد و فرزاد زیویار

(از ص ۱۵۷ تا ۱۷۴)

چکیده:

ادبیات پایداری که در جنگهای ایران و روس (قرن سیزدهم) در زبان فارسی شکل گرفت، مهمترین عامل خروج شعر و نثر از دربار شاهان به میان مردم به شمار می‌رود. از اینزمان ادب درباری که با مدح و ستایشگری شاهان و شاهزادگان گره خورده، با حوادث و وقایع ملموس زمانه، آشنا می‌گردد. حضور علما و مراجع دینی با صدور فتاوی برای تشویق مردم به دفاع از سرزمین و وطن خویش، یکنواختی و سکون ادبیات دوره قاجار را به خیزش و حرکتی وا می‌دارد که نتیجه آن آشنایی و پیوند با آرمانها و دردهای عصر و روزگار جدید است. شاعران درباری هم با الهام‌گیری از جنگ و حال و هوای جدید جامعه به میدان تازه‌ای روی می‌آورند که می‌توان آنرا شاعران زمان خویش و پیشروان ادبیات جهاد و پایداری نامید.

دو دوره جنگ‌های روس علیه ایران، گرچه منجر به جدایی قسمت بزرگی از خاک ایران گردید ولی سرلوحه دوره جدید ادبیاتی شد که می‌توان آنرا ادبیات جهاد و پایداری نامید.

واژه‌های کلیدی: ادبیات، جهاد، پایداری، علما، شاعران، وطن.

مقدمه:

سال ۱۲۱۸ (ه.ق.) مقارن با آغاز جنگهای ایران و روس است. تاریخ کشور ما از این سال تا سال ۱۲۴۳، دو جنگ و دو صلح را به همراه دارد. تا سال ۱۲۴۳ سال انعقاد قرار داد ترکمنچای - وضعیتی بر ایران حکمفرما می شود که با حداقل ژرفنگری می توان نمودی از اصل ایرانیت (هویت ملی ایرانی) را در آن پیدا کرد: تحرک و تکاپویی که در شئون مختلف جامعه از جمله ادبیات، رابطه دین و دولت و جایگاه نخبگان جامعه بوجود آمد، از مواردی است که می تواند برای هر ایرانی بسان آینه ای باشد که در آن علاوه بر اینکه به تواناییهای خود پی می برد، جایگاه خادم و خائن را از خویش باز می شناسد و در عین حال، حتی در دل شکستهای نافرجام، پیروزی و سربلندی را نظاره می کند.

اگر بی مقدمه بگوییم که برافروخته شدن جنگ بین ایران و روسیه و نهایت آن الحاق گرجستان به کشور روسیه به خاطر عقده های نهفته در سرکوب مردم تفلیس و گرجستان توسط آغامحمدخان بود سخنی به گزاف نباشد، چرا که دو دلیل عمده ای که باعث این قضیه شد، یکی گرایش حکام محلی تفلیس و (گرجستان) است که جو افکار عمومی را به خاطر جلادت و خشونت آغا محمدخان در فتح تفلیس در یادداشت، و دلیل دوم آن که به خاطر توسعه طلبی روسها که نهایتاً گرجستان را به روسیه ملحق کرد. بعد از این قضیه حرص توسعه طلبی روسها به سرزمین گرجستان محدود نشد بلکه با فرماندهی سیسیانف نگاه روسها متوجه دیگر سرزمینهای شمال ایران شد.

ادبیات ایران در خلال جنگهای ایران و روس:

فرهنگ و ادب ایران گرچه در دوره قاجار و قبل از آن به تقلید و ابتذال گرائیده بود و حتی در دوره قاجار با پدید آمدن سبک بازگشت که در حقیقت تقلید از

دوره‌های گذشته (خراسانی و عراقی) بود آخرین نفس‌های حیات خود را در جدایی از مردم و جامعه می‌کشید که با حمله روس و دست اندازی دولتی بیگانه به ایران حیاتی تازه یافت و در کنار مردم به میدان مبارزه وارد گردید.

با جنگهای ایران و روس و پیامدهای اجتماعی دخالت بیگانگان در امور ایران و تهدید استقلال و تمامیت ارضی کشور، کم‌کم روشن گردید که سبک بازگشت و شکل‌های ادبی و طرز بیان آن پاسخگوی برآورنده نیازمندیهای فرهنگی و ادبی زمان نیست.... چرا که ادبیات گزارش صرف واقعیت‌های زندگی آدمی نیست، توصیف و تصویر آرمانی و یا انتقادی آن، یعنی بازتاب ایدئولوژیکی (عقیدتی) زندگی است... وقتی فرضاً سراینده شاهنشاهنامه (دوران فتحعلی شاه) جنگهای ایران و روس را به زبان رزمی و سنت شاهنامه فردوسی می‌سراید، گذشته از آن که با تقلید خود، از ارج و منزلت شاهنامه می‌کاهد، ضمناً مسائل عینی و موجود جنگ روس و ایران را به شیوه‌ای می‌سراید که بیشتر تداعی کننده جو و مقتضیات اسطوره‌ای است. (درآمدی بر ادبیات معاصر ایران، محمد عبادیان، ۱۲-۱۵).

آشنایی با دنیای متمدن غرب از طریق اعزام محصلین و تاسیس مدارس خارجی در ایران به همراه افکار آزادی خواهی به نحوی از رهگذر جنگ روس علیه ایران شکل گرفت فرهنگ ایران در آغاز سده نوزده از گونه‌ای از ادبیات و آثار اسلامی برخوردار شد که می‌توان آن را به ادب جهادی نام گذارد. (نخستین رویاروییهای اندیشه گران ایران، عبدالهادی حائری، ص ۱۵).

در این بخش ضمن اشاره به مضامین و اصطلاحاتی که در آثار شعرا و نویسندگان ادب جهادی به کار رفته است سعی در معرفی مختصر آنان هم خواهد شد.

به طور کلی دو گروه در پدید آوردن ادب جهادی در جنگ ایران و روس نقش به

سزایی داشتند:

۱- علما ۲- شعرا و نویسندگان.

علمایی که با فتاوی خویش مردم و سربازان را به مقاومت در برابر بیگانگان و دفاع از ایران تشویق می‌کنند عبارتند از:

- ۱- ملا محمد رضا همدانی ۲- سید محمد مجاهد ۳- شیخ هاشم ۴- میر محمد حسین بن عبدالباقی ۵- مولی بن حسن بن محمد کاظم ۶- میرزا بزرگ فراهانی ۷- شیخ اکبر محمد جعفر نجفی (کاشف الغطا) ۸- آقای سید علی طباطبایی شعرا و نویسندگان این دوره (جنگ‌های ایران و روس) عبارتند از:
- ۱- فتحعلی خان صبا ۲- قائم مقام فراهانی ۳- فضل الله الحسینی شیرازی ۴- محمد اردستانی اصفهانی ۵- میرزا تقی علی آبادی معروف به صاحب دیوان ۶- میرزا محمد صادق مروزی ملقب به وقایع نگار ۷- عبدالرزاق دنبلی ۸- رضا قلی خان هدایت

شعرا: شاعرانی که درباره جنگ ایران و روس شعر سروده‌اند

شعرا و نویسندگان و نثرنویسان این زمان به نوبه خود از مهمترین حوادثی که در مرزهای شمال غربی ایران روی می‌داد، متأثر می‌شدند و آنرا در اشعار، نامه‌ها و گزارشات خود منعکس می‌کردند. این نویسندگان و شعرا که به طور طبیعی وابسته به دربار شاهی بودند، با گره زدن شخصیت پادشاه و رخدادهای نظامی، او را به عنوان یگانه قهرمان صحنه‌های رزم و سیاست معرفی نموده و در تمجید و مدح وی از بکارگیری هیچ صفتی دریغ نمی‌کردند. می‌توان این ادبیات را ادب جهادی درباری نامید. در میان شعرا و نویسندگان این دوره، شخصیت میرزا ابوالقاسم فرزند میرزا بزرگ قائم مقام فراهانی، ممتاز و یگانه می‌باشد که درباره او و آثارش به تفصیل سخن خواهیم گفت.

۱- میرزا ابوالقاسم فراهانی تهرانی

از ادبای عهد فتحعلی شاه قاجار است. ادیبی فاضل، منشی ای کامل، شاعری ماهر، مترسلی دانشمند در نظم و نثر فارسی استاد بود، و به سنایی تخلص می نمود. وی به سال ۱۱۹۳ متولد شد و به سال ۱۲۳۷ هـ پس از وفات پدرش میرزا عیسی، به وزارت شاه منصوب و به قائم مقام ملقب گردید.

وی اوائل عهد محمد شاه قاجار را دیده و در ۱۲۵۱ هـ درگذشته یا به سعایت جمعی و دستور محمد شاه به قتل رسیده است. آثارش عبارتند از:

- ۱- منشات ۲- مثنوی جلایرنامه ۳- الجهادیه ۴- دیباچه جهادیه صغرای پدرش میرزا عیسی ۵- دیباچه جهادیه کبرای پدرش ۶- دیوان اشعار. (لغت نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱-۱۵۲۴۰)

قائم مقام که ذاتاً مردی بینا و مغرور بود و با بعضی از کارهای ولیعهد مخالفت می کرد، پس از یکسال وزارت در اثر تفتین بدخواهان به اتهام دوستی با روس ها بر کنار شد و سه سال در تبریز به بیکاری گذراند اما پس از سه سال معزولی و خانه نشینی، در سال ۱۲۴۱ هـ دوباره به پیشکاری آذربایجان وزارت نایب السلطنه منصوب شد.

در سال ۱۲۴۲ هـ فتحعلی شاه به آذربایجان رفت و مجلسی از رجال و اعیان و روحانیان و سرداران و سران ایلات و عشایر ترتیب داد تا درباره صلح یا ادامه جنگ با روسها، به مشورت پردازند، در این مجلس تقریباً عقیده عموم به ادامه جنگ بود. اما قائم مقام بر خلاف عقیده همه با مقایسه نیروی مالی و نظامی طرفین، اظهار داشت که ناچار باید با روسها از در صلح درآمد. این نظر، که صحت آن بعدها بر همه ثابت شد، در آن روز همهمه ای در مجلس انداخت و جمعی بروی تاختند و او را به داشتن روابط نهانی با روسها متهم کردند. پس دوباره از کار برکنار و به خراسان اعزام شد.

جنگ با روس ادامه یافت و به شکست ایران انجامید، تا در ماه ربیع الثانی سال ۱۲۴۳ هـ (نوامبر ۱۸۲۷ م) قوای روس به فرماندهی گراف پاسکویچ تا تبریز راند. شاه قائم مقام را از خراسان خواست و دلجویی کرد و با دستورهای لازم و اختیار نامه عقد صلح به نام ولیعهد، به تبریز روانه نمود. (از صبا تا نیما، یحیی آربن پور، ج اول، ص ۳-۶۲)

بیشتر نامه‌ها و اشعار قائم مقام درباره پیروزی‌ها و شکست‌های ایران در جنگ با روس گفته شده است. اصولاً سبک قائم مقام در نامه‌ها تقلید از سبک مسجع گلستان سعدی است. منشآت قائم مقام یکی از تقلیدهای زیبا از گلستان سعدی محسوب می‌گردد. برای نمونه نامه زیر را که درباره اوضاع و احوال جنگ ایران با روس است می‌آوریم تا سبک سخن و قلم قائم مقام آشکار شود.

بمیرزا ابوالقاسم همدانی نوشته و بهمان سبک و سیاق او مزاح و دعا به کرده است مخدوم من، جان من، تیمور من، قآن من، آرام چرا داری. پر طالع و کم همت مباش. گردن بر افراز. توزک بنویس. لشکر بکش. آماده رزم شو. بایزید بشکن. قرایوسف تعاقب کن. دشت قباچاق برو. مرز خزر بتاز. این بیدین‌ها را که تفلیس و گنجه گرفته‌اند و صدرک و گگچه می‌خواهند جای خود بنشان.

در قصیده آنان را که از میدان رزم روس رو برتافتند و ننگ شکست و فرار را تحمل کردند، مورد سرزنش قرار می‌دهد:

آه از این قوم بی حمیت بی دین	کرد ری و ترک و خمسه و لر قزوین
عاجز و مسکین هر چه دشمن و بدخواه	دشمن و بدخواه هر چه عاجز و مسکین
دشمن از ایشان به عیش و شادی و عشرت	دوست از ایشان به آه و ناله و نفرین
با سپهی این چنین و یک دو سپه دار	راند ولیعهد تا به معركة کین
نعره کوس آنچنان که نعره تندر	حمله روس آنچنان که حمله تنین

قائم مقام با تصویر میدان کارزار هم سخن از فرار عده‌ای از سپاهیان به زبان آورده هم سخن از مقاومت گروهی دیگر سپاهیان دارد که سرانجام منجر به پیروزی در این نبرد می‌شود، چنین می‌خوانیم:

لشکر تبریز و ایروان و ارومی
تشنه به خون دست و دشنه ساخته گلگون
کفر فتاده به چنگ لشکر اسلام
از پی ابلاغ این بشارت عظمی

در قصیده زیر به شکست ایران از روس اشاره کرده و از روی دلتنگی گفته است:

روزگار است آنکه گه عزت دهد گه خوار دارد
مهر اگر آرد بسی بیجا و بی هنگام آرد
گه به خود چون زرق کیشان تهمت اسلام بندد
گه نظر با پولکنیک و با کپیتان و افسر^(۱)

گه بلوری^(۲) چند از آنجا بر سفاین حمله بندد!
گه به تبریز از پطر بورغ اسپهی غلاب راند^(۴)

لشگری را گه به کام گرگ مردمخوار خواهد
آنگاه برای پرهیز از بازخواست و گریز از بدخواهان، سخن خود را به این بیت خاتمه می‌دهد:

چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد
قهر اگر دارد بسی ناساز و بی هنجار دارد
گه چو رهبان و کشیشان جانب کفار دارد
گاه با سرهنگ و با سرتیپ و با سردار دارد
گه کروری^(۳) چند از این جا بر هیونان بار دارد!
گه به تفلیس از خراسان لشکری جرار دارد^(۵)
کشوری را گه به دست مرد مردمدار دارد

۱- درجات نظامی

۲- حوض بلورین و آینه‌های بزرگی که الکساندر اول برای فتح‌علیشاه فرستاده بود

۳- کروری اشاره به هشت کرور تومان غرامت جنگ است که برای روس بردند.

۴- لشکر پاسکویچ

۵- لشکر آغامحمد خان قاجار، که تفلیس را گرفت

هر چه زین اطوار دارد عاقبت چون نیک بینی بسر مراد چاکران خسرو قاجار دارد
(دیوان، ص ۱۲۴)

اهمیت شعر قائم مقام در آنست که برخلاف بیشتر شعرا که به وصف خیال و آرزوها می پردازند، او بیشتر مسائل اساسی مردم و جامعه و کشور را در شعر خویش بیان نموده است و می توان او را شاعر زمانه و آگاه به دردهای مردم دانست. قائم مقام انتقادهای خود را به رجال و اعمال و اوضاع و احوال عصر در مثنوی جلایر نامه عرضه می دارد.

۲- فتحعلی خان کاشانی متخلص به صبا

صبا شاعر بنام دربار فتحعلی شاه قاجار است. او پسر آقا محمد از خانواده های قدیمی کاشان است. جد اعلای وی اصلا دنبلی بود که در پایان روزگار پادشاهی کریم خان زند از آنجا به عراق افتاد و در شهر کاشان اقامت گزید. صبا گویا به سال ۱۱۷۹ هـ در کاشان متولد گردید و در همانجا بزرگ شد. در جوانی به آقا فتحعلی شهرت داشت و از شاگردان حاجی سلیمان بیگ صباحی بیدگلی بود. صبا ابتدا از مداحان لطفعلی خان، قهرمان زند، بوده است.

صبا در سال ۱۲۱۱ هـ به تهران آمد و در جشن جلوس فتحعلی شاه (۱۲۱۲ هـ) قصیده غرایی خواند که پسند شاه افتاد و هر روز کارش بالا گرفت تا لقب ملک الشعرائی یافت و به عنوان خان و منصب احتساب الممالکی گرفت. چند سالی هم حکومت قم و کاشان را داشت، و بعد از حکومت دست کشید و در التزام رکاب بود، و زمانی هم به کلید داری آستانه قم منصوب شد.

در سال ۱۲۲۸ هـ که شاه برای شرکت در جبهه جنگ ایران و روس عازم آذربایجان شد، صبا همراه وی بوده ولی در چند فرسخی زنجان بیمار شد و به تهران مراجعت کرد. در همین سفر بود که هنگام مراجعت، از شاه دستور یافت تا

کتابی در بحر تقارب وزن (شاهنامه فردوسی) به نام شاهنشاهنامه به نظم در آورد و صبا آن را در مدت سه سال در چهل هزار بیت به اتمام رسانید و چهل هزار مثنوی طلا صله گرفت.

صبا در سال ۱۲۳۸ هـ در سن ۵۹ سالگی در تهران درگذشت. (از صبا تا نیما،

ص ۲۲-۲۰)

شاهنشاهنامه بزرگترین مثنوی صبا است که داستان حماسی است چون شاهنامه فردوسی با همان وزن. موضوع آن ستایش و ذکر وقایع پادشاهی فتحعلی شاه و مآثر آغامحمدخان و پدران آنان و جنگها و فتوحات عباس میرزا با سپاهیان روس و اندرزها و مطالب دیگر.

دکتر مهدی حمیدی درباره شاهنشاهنامه می نویسد، این کتاب به تبعیت شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی با ستایش خداوند و نعت پیغمبر شروع می شود. داستان آن از اینجا آغاز می گردد که شبی فتحعلی شاه در خواب می بیند بر اسب کوه پیکری سوار است و از میان دشتی که پر از گوسفند است می گذرد. در این اثنا گرگی حمله می کند و قوچی را از گله می رباید. او یعنی فتحعلی شاه شیری را به جنگ گرگ می فرستد و گرگ را می دراند. دنبال این خواب باز می بیند که از باغی عبور می کند و در آن مرغان خوش آواز فراوانند ناگاه بومی به آنها حمله می کند و پرهای آنها را می کند. پادشاه هم بازی در دست داشته آنرا به دنبال بوم پرواز می دهد و بوم را از بین می برد. صبح که از خوابی بیدار می شود خبر می رسد که سپاه روس به سرکردگی اسپخدر (ایش برحذر) به بعضی از نقاط ایران حمله کرده است. وی پس از مشاوره ها عباس میرزا پسر خود را با لشکری فراوان به مقابله می فرستد. عباس میرزا در جنگ اول آنها را تا رومار می کند ولی لشکر فاتح او پس از فتح به عیش و نوش مشغول می شوند. روسها بر آنها شبیخون می زنند و آنها را شکست می دهند. مقارن این احوال باز هم برای فتحعلی شاه رویای صادقه ای اتفاق

می افتد. (شعر در عصر قاجار، ص ۲۸-۲۷).

در این کتاب عباس میرزا درست مثل روئین تن و سهراب صاحب صفات و اختصاصاتی است که او را به یک مرد افسانه‌ای شبیه کرده است. زره می پوشد و کمان بدست می گیرد، با گرز به دشمن حمله می کند. کشتی می گیرد، شمشیرش از چپ و راست مانند شمشیر رستم سرها را به روی زمین می ریزد. (همانجا، ص ۲۸)
حال ابیات مربوط به جنگ ایران و روس در شاهنشاهنامه را بیان می کنیم:

کنون بساید هـنگ آورم	به جنگ آوران کار تنگ آورم
زمین را ز گردان پولاد پوش	چو دریا زباداندر آرد به جوش
ز پیلان بسی کوه پویان کنم	به پیل افکنان مام مویان کنم
به کف تیغ گیتی فروز آورم	بسداندیش را تسیره روز آورم
از آن آهنین گرز تارک گرای	کنم آهنین کوه را سرمه سای
گرازان کنم لشکری کینه خواه	به جنگ گرازان روسی سپاه

(ص ۲۱)

آنگاه سپاهیان روس و فرمانده آنان را اینگونه توصیف می کند :

به پرخاش ژولیده مویان روس	به نالش در آورده غرنده کوس
همه دیو ساران جادوسگال	ز روی و ز آهن بر و برز و یال
به کف ز آهن آورده ماری شگرف	دهان برگشاده چو غاری شگرف
همه گرسنه گرگ آشفته سر	دریده جگر گاه شیران نر

۳- مجمر اصفهانی

سید حسین مجمر زواره‌ای از مداحان خاص فتحعلی شاه قاجار است. مجمر در جوانی یعنی سی و پنج سالگی وفات یافت اشعاری که از وی مانده در حدود

چهارهزار بیت است. مجمر در قصیده سرایی دارای سبک شاعران عراق و چون کمال الدین اصفهانی است.

اولین برخورد مجمر با فتحعلی شاه در یکی از جبهه‌های جنگ ایروان صورت گرفت. حضور مجمر که به لقب مجتهد الشعرائی از سوی شاه رسیده است در دربار با وقوع دوره اول جنگهای ایران و روس همزمان بوده و تا سال ۱۲۲۵ که سال وفاتش می‌باشد، معاصر این کشمکشهای پر دامنه بوده است. اشعاری که از مجمر پیرامون جنگهای ایران و روس باقی مانده، بیشتر در مدایح رفتن خاقان گیتی ستان به جنگ روس و کیفیت احوال ایشان و مراجعت موکب همایونی به دارالخلافه تهران می‌باشد. در اشعار زیر:

شسه آمد و تکیه زد بر اورنگ از رزم بنه بزم کرده آهنگ
جایی در وصف احوال رزم شاه و سپاهیان چنین می‌گوید:

بسا نهنگان زره پوش بسی در گردش بسا پلنگان سلحدار بسی در جولان
زان نهنگان که یکی بحر گداز از خنجر زان پلنگان که یکی کوه گداز از پیکان
خیز و بشنو که ز یک جمله شان آمده چون خیز بشنو که به یک صدمه شان مانده چنان
روس و روسی همه این خسته و آن بی بنیاد روم و رومی همه این بسته و آن بی بنیان

(دیوان محمد اصفهانی، ۱۳۱)

بیشتر قصاید مجمر در مدح فتحعلی شاه و ستودن رفتن او به جنگ با دشمنان است.

۴- فضل الله حسینی شیرازی:

حسینی از شعرا و نویسندگان دربار فتحعلی شاه بود. اثر معروف او تاریخ ذوالقرنین نام دارد که شامل رویدادهای دولت قاجاریه است.

فضل الله حسینی شیرازی با تخلص خاوری، دیوانی دارد به قدر پنج هزار بیت

که از اقسام شعر ترتیب داده مسمی به مهر خاوری (حدیقه الشعراء، ج اول، ص ۵۴۲).
خاوری حوادث مهم جنگهای ایران و روس را در کتاب تاریخ ذوالقرنین به
تفصیل آورده است. این کتاب که در تاریخ حوادث و رویدادهای فتحعلی شاه
نگارش یافته و تا پایان کار او ادامه می یابد، گزارشهای فراوانی از تجاوزات روسیه
تزاری به ایران را در خود جای داده که در پایان هر حادثه، وقایع لباس نظم
می پوشند.

حال به قسمتی از آن ابیات می پردازیم که درباره کشتار مردم در قلعه لنکران
می باشد.

وای وای از قتل قلعه لنکران	آه آه از جور روس بد نهاد
کربلایی شد به پا از هر کران	شام تاسوعا در آن دلکش حرم
اف به قوم روسی خذلان نشان	از مسلمانان بسی شد کشته حیف
با چنین اعمال بد بدتر از آن	این بنی اصغر یقین مردانیند
جوی خون کشتگان چون ناودان	آسمان بسارید باران بلا
جوی خون کشتگان چون کهکشان	صحن قلعه لنکران همچون سپهر
بهره هر یک بهشتی جاودان	گرچه از جان جملگی بی بهره لیک
نیست این معنی غریب از آسمان	آسمان گر خون ببارد زین عزا
زان که افزون شد عزای انس و جان	شام تاسوعا فزون شد حزن خلق
گفت تاسوعانه عاشورا بدان	خاوری تاریخ این قتل جدید

(تاریخ ذوالقرنین، ص ۲۱۹)

۵- میرزا تقی علی آبادی معروف به صاحب دیوان

میرزا تقی علی آبادی، پسر میرزازکی، مستوفی الممالک آغا محمدخان، در علی
آباد به دنیا آمد مردی بود فاضل و کارآزموده و صاحب قلم. چون در محل، روزگار

بر او سخت گرفته بود و کارش رونقی نداشت، از مازندران به تهران آمد و به وسیله فتحعلی خان صبا به دربار فتحعلی شاه معرفی و ابتدا به سمت منشی مخصوص مشغول کار شد و پس از سه سال به ریاست بیوتات سلطنتی منصوب گردید... بعد از چندی لقب صاحب دیوان یافت... (و مورد اعتماد شاه بود و پیغامها و رسائل محرمانه شاه به وسیله وی ابلاغ می شد...) با وصال شیرازی الفت داشت... در سال ۱۲۵۶ هـ در گذشت. صاحب دیوان در شمار چند تن نویسنده طراز اول صدر حکومت قاجاریه است. قائم مقام در منشآتش از او به احترام نام می برد و در نویسندگی به استادیش می ستاید. صاحب دیوان شعر هم می سرود و به صاحب یا صاحب دیوان تخلص می کرد. (از صبا تا نیما، ج اول، ص ۵۹-۵۸)

صاحب دیوان به دلیل واقع شدن در ایامی که جنگهای ایران و روس در آن جریان داشته، طبعاً نمی توانست بدون تاثیر پذیری از آن بگذرد. وی در برخی از نوشته های خود به تقلید از گلستان سعدی، برخی از حوادث جنگها را به رشته تحریر در آورده است. چون حکایت زیر: یکی از امرای ترک در هنگامه روس از اسب پیاده ماند، سوارانش پریشان گشته دشمن گردش جمع آمدند. پس از کرب و فروردانه به زخمهای منکر در شمار کشتگان خفت. مرگش دیدند ترکش گفتند. به حکم اجل موعود حشاشه رمقی از او باقی ماند. بلی. تن اگر روسی است جان فردوسی است - کو مصون از تیر و تیغ روسی است - یکی از لشکری را که به محبت نظری داشت، خبرش کردند. با کشش دوست از کشش دشمن پروا نکرده چون ماه که بر کتان تابد و یا شعله که در خرمن افتد، آن جمع را پریشان کرده به سر کشته خویش آمد و شد مرهم ریشش خنک آن کشته که قاتل بکشد در بر خویشش روی به روی خونین او مالیدن گرفت و خون به خون خواست شستن. آتش دارویی انگیخته از کبریت احمر بر رخ نشسته داشت در نیم نفس گفتش که روی آتشین از زخم بردار که مرا از آتش احتراز باید. گفت:

آب چشمم بین که او آتش کش است با چنین آبی چنان آتش خوش است
از رخ ارنسار خلیل آورده ام از دو دیده رود نیل آورده ام
از برکت قدمش از حرکت به عدم باز ماند و سالهای دراز همچنان امیر است و در
پنجه عشق شیرگیراسیر.

بازوی عشق قوی باد که از نیرویش خاک مستی به سزا سجده گه سلطان است
هر که شد بنده او پادشه کونین است هر که شد کشته او زنده جاویدان است
(از صبا تا نیما، جلد اول، ص ۶۱-۶۰)

۶- میرزا محمد صادق مروزی ملقب به وقایع نگار

میرزا محمد صادق از چهره‌های ادیب و مقرب دربار شاه قاجار بود که با مسئولیتهای گوناگون همراه و همقدم با حوادث زمان خویش قلم زد. با این که تبحر نثرنویسی خود را در تاریخ جهان آرا به نمایش گذاشته، ولی از بیان حوادث در قالب نظم ابا نکرده، سروده‌هایی را از جنگهای ایران و روس به جا گذاشته است. وقایع نگار صاحب تاریخ جهان آرا و زینه المدایح می‌باشد.

ابیاتی از قصیده‌ای که هنگام سفارت و توقف در تفلیس... خطاب به عباس میرزا، نایب السلطنه سروده او را به فتح قفقاز تشویق کرده چنین است:

به تفلیسم فلک آورده دردا فغان زین ظلم و اوخ زین تعدا
سپهر آواره آورده است و کرده است انیس روسی و مانوس ترسا
مگر تیغ ولیعهد عدو سوز مگر تدبیر پیر شاه برنا
خلاصی بخشدم زین شوم مسکن رهایی بدهدم زین زشت سکنا
هوس در مرز ایران کرده دشمن به جوش آورده در سر دیگ سودا
فرو بنشان به آب تیغ جوشش که داند این هوس خام است و بی جا

(تاریخ جهان آرا، ص ۱۰)

وقایع نگار در کتاب نسبتاً قطور تاریخ جهان آرا، رویدادهای جنگ ایران و روس را با نثری منشیانه و متکلف به نگارش در آورده است. با این حال او که پیش از جنگهای دوره دوم نوشته شد، خالی از ظرایف و صنایع ادبی نیست. قسمتی از آن بدین شرح است: حضرت نایب الخلافه را اعلام رفت. که مهما امکن از شرحیل و مدح کارکنان روس... ایمان نباید بود و با ایشان ابواب مراودت و مراسلت که مفضی به کشف مکنونات ضمیر و انکشاف مستوران باطن است نباید گشود... و نیز باید که نظم لشکر و نظام عسکر آن فرزند ارجمند مطابق با نظام روس و موافق با ضوابط و قواعد آن طایفه پرفسوس بود، آلات ادوات حرب و پیکار، از توپ و تفنگ آتشبار صاعقه کردار، بر طبق نظام ایشان منتظم آید تا زین سپس در مرافعت و مجاهدت، معارضه به مثل نماید و به هنجار و اطوار ایشان در میدان جهاد دست به مقاتلت برگشایند (تاریخ جهان آرا، ص ۱۰) (ادبیات در جنگهای ایران و روس، ص ۵۸-۵۷)

۷- عبدالرزاق دُنبلی

عبدالرزاق بیگ دنبلی صاحب تاریخ مآثرالسلطانیه و حدایق و تالیفات دیگر، متخلص به مفتون، معاصر با وقایع جنگهای اول ایران و روس می باشد. مآثر السلطانیه منعکس کننده گزارشهای آن نبردهاست. نثر کتاب که با اشعار حماسی و صنایع ادبی همراه است از جمله آثار برگزیده دوره قاجار است. برای نمونه از وقایع سال ۱۲۲۳ هـ هنگامی که نیروهای متجاوز روس به فرماندهی گداویچ قلعه ایروان را محاصره کرده بودند درباره مقاومت و روحیه مدافعین ایرانی چنین نگاشته است. محافظین قلعه نیز که در آرزوی چنین شبی، شبها روز کرده بودند و در تنگنای قلعه ایروان همواره به آرزوی جنگ دلتنگ و به جای روسیه پیوسته با بخت خویش در جنگ بودند... به یکبار از اطراف جوانب خنجر آبدار و شمشیر خون افشان و تفنگ شریار بر کف گرفتند و در برج و باره قلعه آماده کارزار، منتظر پیکار صف برکشیدند

و لب از غلغله خروش بستند و به عزم صید افکنی چون شیران غرین در کمین نشستند تا این که تمامت سپاه روس از خندق عبور و به آلات قلعه گیری و نبرد بانهای مجره شکوه به پای دیوار قلعه رسیدند و از جوانب نردبانها بر دیوار استوار ساخته بر فراز قلعه چون دود صعود نمودند... (مدافعین) بازوی خصم افکن به روسیه گشاده هر یک از دلیران که پای جلات به پای نردبان می نهادند، از ضرب مهره تفنگ قضا آهنگ مانند کبوتر بسمل بر زمین می افتادند...

همه روسی افتاده در خون و خاک ز سر نیزه ها سینه ها چاک چاک
بدنهای مردان ز شمشیر تیز همه لخت لخت و همه ریز ریز
فرو ریخت از باره همچون تگرگ به خندق سر و سینه و پا و ترک
شد از کاوش خنجر آبگون ز دیوار قلعه روان جوی خون
ز تیغ دلیران در آن رستخیز پر از کشته شد خندق و خاک ریز
(مآثر السلطانیه، ص ۲۰۳-۲۰۴)

در کتاب حدائق هم عبدالرزاق دنبلی به جنگهای ایران و روس اشاره می کند. نثر این کتاب منشیاتر واصطلاحات از سجع بیشتری برخوردار است و آنرا می توان ادیبانه تر از مآثر دانست. چند بیت زیر از کتاب حدائق ذکر می گردد.

یا خروش القتال از شیر دل عباس شاه بر دلیران در مصاف روسیان آید به گوش
ناله موج است در بحر خزر یا بانگ سیل یا صدای جنبش عرادگان آید به گوش
غرش توپ است یا برق دمان یا بانگ رعد یا خروش روز حشر از حشریان آید به گوش
(حدائق، ص ۳۳۳)

۸- رضا قلی خان هدایت ملقب به الله باشی

رضا قلی خان طبرستانی فرزند محمد هادی در سال ۱۲۱۵ هـ در تهران متولد شد او بسال ۱۲۸۸ هـ در دربار ناصرالدین شاه در گذشته است او در شیراز به تحصیل دانش پرداخت. در موقع سفر فتحعلی شاه به اصفهان مورد توجه قرار

گرفت و به لقب امیر الشعرائی مفتخر گردید. علاوه بر دیوان اشعار صاحب مثنویهایی چون هدایت نامه، گلستان ارم، انیس العاشقین، بحر الحقایق، انوار الولاية، خرم بهشت و نیز تذکره ریاض العارفین، مجمع الفصحا و سه جلد به تاریخ روضه الصفای میرخواند شامل تاریخ دوره صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه افزوده است و آنها با عنوان روضه الصفای ناصری مشهور است. در حوادث دوره قاجار به جنگهای ایران و روس اشاره کرده است هدایت در جنگهای دوم ایران و روس ۲۸ ساله بوده است. (سبک‌شناسی بهار، ج ۳، ص ۳۷۰)

این ابیات از کتاب روضه الصفا نقل می‌گردد:

از آن پیش کاید خروش خروس یکی حمله بردند بر فوج روس
سر دشنه‌ها بر جگرها نشست خم تیغ هندی به سرها نشست
چکاچاک برخاست از هر کنار شد از خون روسی زمین لاله زار
(روضه الصفا، ص ۳۹۸)

در بعضی از قسمتهای کتاب اشعاری را با نثر کتاب در هم آمیخته و رویدادهای جنگ را بیان می‌کند. رویارویی سپاه ایران و روس را در اوچ کلیسا چنین بیان می‌کند:

دلیران ایران چو غرنده بلبر شده خشمگین در نبرد هژبر
ز دیگر طرف سرخ رویان روس فروزنده چون قبله گاه مجوس
دولشکر نگویم دو دریای خون به بسیاری از ریگ صحرا فزون
(روضه الصفا، ص ۳۹۴)

نتیجه:

شعرا و گویندگانی که درباره جنگهای ایران و روس سخنی گفته بودند بخاطر وابستگی آنان به دربار بود و می‌توان این دعوت به پایداری و مقاومت در برابر دشمنان ایران را نوعی ادب جهادی درباری نامید. اما آنچه علما در فتاوی خویش

چه به زبان فارسی و چه به زبان عربی درباره دفاع از ایران در مقابل روس اعلام کرده بودند جدای از دربار محسوب می شد و می توان آنرا ادب جهادی نامید و این ادب جهادی ذاتاً با تحرک و بالندگی همراه بود. روح کلی این نوشته ها برخلاف ادب درباری، سخن از زبان مردم گفتن بود.

منابع:

- ۱- آرین پور، یحیی: از صبا تا نیما، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۰.
- ۲- ابوالحسنی، علی: جهاد دفاعی و جنگهای صلیبی، دارالحسنین، ۱۳۵۹.
- ۳- الحسینی الشیرازی، فضل الله: تاریخ ذوالقرنین، نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره ۳۲۰۷.
- ۵- بهبودی، هدایت الله، ادبیات در جنگهای ایران و روس، حوزه هنری، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۷- حائری، عبدالهادی، نخستین رویارویی اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- ۸- حمیدی، مهدی: شعر در عصر قاجار، گنج کتاب، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۴.
- ۹- دهخدا، علی اکبر: لغت نامه، ۱۴ جلدی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- ۱۱- زرین کوب، عبدالحسین: روزگاران دیگر، انتشارات سخن، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۱۲- صبا، فتحعلی خان: شاهنشاهنامه، چاپ سنگی، بمبئی، ۱۸۶۷ م.
- ۱۳- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، ۵ جلدی، انتشارات فردوس، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۶۷.
- ۱۷- قائم مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم: دیوان، ضمیمه سال دهم مجله ارمغان، ۱۳۰۷.
- ۱۸- قائم مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم: منشات، به اهتمام جهانگیر قائم مقامی، کتابخانه ابن سینا، ۱۳۳۷.
- ۱۹- مروزی، میرزا صادق: تاریخ جهان آرا، نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ۱۵۰۰.
- ۲۰- معین، محمد: فرهنگ فارسی، ۶ جلدی، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱.
- ۲۱- مفتون دنبلی، عبدالرزاق، مآثرالسلطانیه، انتشارات ابن سینا، ۱۳۵۱.
- ۲۲- مفتون دنبلی، عبدالرزاق: حدائق، نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ۷۴۳.
- ۲۳- همدانی، حاجی ملا محمدرضا: رساله جهادیه، نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ۹۰۰.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی